

نقش واسطه‌ای خودشناسی انسجامی در رابطه میان جو عاطفی خانواده و خودکنترلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان نقده

♦ دکتر یحیی یاراحمدی^۱♦ دکتر حمزه احمدیان^۲♦ دکتر مریم اکبری^۳♦ رسول شکارچی^۴

چکیده: نوجوانی به منزله دوره‌ای تحولی در فرایند رشد انسان ممکن است با آسیبهای متعدد همراه باشد. خودکنترلی در حکم توانایی فرد در کنترل رفتار و احساسات، می‌تواند از اهمیتی خاص در دوره نوجوانی برخوردار باشد. هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای خودشناسی انسجامی در رابطه میان جو عاطفی خانواده و خودکنترلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان نقده بود. این پژوهش از نظر روش، توصیفی و از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش همه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان نقده در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند که از میان آنها، ۳۵۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مقیاس خودشناسی انسجامی قربانی و همکاران (۲۰۰۸)، پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیلبرن (۱۹۶۴) و پرسشنامه خودکنترلی تانجی و همکاران (۲۰۰۴) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش مدل معادلات ساختاری در برنامه LPS۳ انجام شده است. یافته‌ها نشان‌دهنده ارتباط مثبت و معنادار متغیر جو عاطفی خانواده با خودشناسی انسجامی و خودکنترلی در گروه نمونه بوده است. همچنین مشخص شد که خودشناسی انسجامی، در رابطه میان جو عاطفی خانواده و خودکنترلی دارای نقش میانجی است. نتایج پژوهش نشان داد که میزان خودکنترلی دانش‌آموزان تا حدود زیادی به جو عاطفی خانواده و خودشناسی انسجامی همبسته است. بر اساس نتایج حاصل پیشنهاد می‌شود تا در مداخلات مربوط به خودکنترلی و خودشناسی در نوجوانان به جو عاطفی خانواده پرداخته شود.

کلیدواژگان: خانواده، خودشناسی انسجامی، جو عاطفی، خودکنترلی، دانش‌آموزان

© تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۴

© تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۵

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. rasoulshekarchi99@gmail.com
۲. (نویسنده مسئول)، استادیار گروه روان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. Akbari1384@iausdj.ac.ir
۳. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. ahmadian@iausdj.ac.ir
۴. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. Yyarahmad@iausdj.ac.ir

خودکنترلی اشاره به توانایی فرد در کنترل رفتار، احساسات و غرایز خود علیرغم وجود برانگیختگی دارد (نِیگ^۱، ۲۰۱۷). خودکنترلی به معنای انتخاب چگونگی ابراز احساسات است به گونه‌ای که فرایند تفکر تسهیل شود (دوریدر، لنسولت-مالدرز، فینکناور، استوک و بامایستر^۲، ۲۰۱۲). خودکنترلی کم در دوران کودکی و نوجوانی از طریق ویژگیهای فردی همچون ناتوانی در به تعویق انداختن لذت، عدم تحمل محرومیت یا کمبودها و تمایل به اتخاذ رفتارهای مخاطره‌آمیز نمایان می‌شود (وسنر و اشنایدر^۳، ۲۰۱۳). در تئوری یادگیری اجتماعی از خودکنترلی به عنوان یک مفهوم قابل تعبیر و قابل یادگیری و آموزش یاد شده است (ملدرام، بارنز و هی^۴، ۲۰۱۵). بر اساس یافته‌های پژوهشها، نوجوانانی که دارای خودکنترلی کمتری هستند، با احساس ناامیدی، افسردگی و بی‌علاقگی مواجه‌اند (ویلز، سیمونز، ساسمن و نایت^۵، ۲۰۱۶). همچنین افراد دارای خودکنترلی پایین تمایل به نشان دادن الگوهای رفتار بزهکارانه دارند و در به تأخیر انداختن لذت ناتوانند (کنراد^۶، ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد کسانی که فاقد خودکنترلی‌اند، بدون توجه به منافع دراز مدت خود و دیگران، به ویژه زمانی که فرصت بالقوه لذت‌بخش برای آنان ایجاد شود، ممکن است دست به عمل بزنند (ویلز و همکاران، ۲۰۱۶). در مقابل، افراد دارای خودکنترلی بالا نسبت به موقعیتهای اجتماعی حساس‌اند و خود را متناسب با موقعیت مورد نظر تنظیم می‌کنند. این افراد نسبتاً مقیدند و با کنترل هیجانات خود، به احتمال کمتر دست به رفتارهای تکانشی می‌زنند (ویلز و همکاران، ۲۰۱۶). مطالعات نشان می‌دهند که تفاوت‌های فردی در خودکنترلی با برخی از رفتارها مانند مصرف مشروبات الکلی و مواد و کشیدن سیگار در نوجوانان رابطه دارد (وسنر و اشنایدر، ۲۰۱۳). روابط عاطفی درون خانواده از متغیرهای اساسی در شکل‌گیری ویژگیهای شخصیتی و رفتاری در کودکان و نوجوانان است و در رشد خودکنترلی نیز می‌تواند سهمی عمده داشته باشد.

خانواده نخستین جایگاه شکل‌گیری عواطف است، از این رو برخورد و رفتار والدین بر شکل‌گیری رفتار در نوجوانان تاثیر می‌گذارد. تعامل مطلوب میان اعضای خانواده به منزله یکی از عوامل محافظت‌کننده در برابر آسیب‌های دوران نوجوانی به‌شمار می‌آید و جو عاطفی نامطلوب خانواده، از عوامل خطر ساز اساسی در بروز مشکلات مربوط به این دوره است (کنراد، ۲۰۱۶). جو عاطفی خانواده و نحوه تعامل والد-فرزند از مهم‌ترین عوامل بروز نحوه شکل‌گیری رفتار، باورها و نگرشهای فرزندان است و در صورتی

1. Nigg
2. De Ridder, Lensvelt-Mulders, Finkenauer, Stok & Baumeister
3. Woessner & Schneider
4. Meldrum, Barnes & Hay
5. Wills, Simons, Sussman & Knight
6. Konrad

که خانواده منبع ناکامی و تأمین نشدن نیازهای مادی و روانی نوجوانان باشد و والدین و فرزندان با هم ارتباطی صمیمی و نزدیک نداشته باشند، احتمال بروز مشکلات رفتاری و عاطفی در نوجوان افزایش پیدا می‌کند (کسیدی، پارک، بوتکووسکی و برانگارت^۱، ۱۹۹۲). بر همین اساس گفته می‌شود الگوهای خانوادگی معیوب که با عدم درک متقابل، تعارضات میان-فردی، طرد و عدم پذیرش از سوی والدین مشخص می‌شوند، عامل مهمی در مختل شدن فرایند رشد و تحول فرزندان محسوب می‌شوند (ارقبایی، سلیمانیان و محمدپور، ۲۰۱۸). در مقابل، جو عاطفی و گرم خانواده نیازهای عاطفی اعضا را برآورده می‌کند و با استحکام بخشیدن به نظام درون خانواده و ایجاد وابستگی و جذب آنها به خانواده، زمینه تحول بهینه، استقلال عاطفی و رشد هیجانات درونی اعضا را تسهیل می‌کند (هسکت، استلتر، پرافت و نایس^۲، ۲۰۱۲). برخی از پژوهشها نشان می‌دهند که روابط عاطفی والد-فرزند و فرزندپروری مهرورزانه پیش‌بین افزایش خودکنترلی (موریس، سیلک، اشتاینبرگ، مایرز و رابینسون^۳، ۲۰۰۷؛ شمسی و صوفی، ۲۰۱۷؛ هسکت و همکاران، ۲۰۱۲) و خودشناسی انسجامی (بشارت، بزازیان، قربانی و اصغری، ۱۳۹۳؛ اخوان‌عبیری، شعیری و غلامکی فشارکی، ۱۳۹۸) هستند.

ظرفیت فهم فرایندها و تجارب درونی به شکلی زمانمند و سازمان یافته، به‌منظور نظم‌بخشیدن به خود، به خودشناسی انسجامی اشاره دارد (قربانی، کانینگهام^۴ و واتسون^۵، ۲۰۱۰). این فرایند که تلاشی سازگارانۀ برای فهم تجارب خود در خلال زمان برای دستیابی به نتایج مطلوب است، نوعی آگاهی لحظه به لحظه از حالات روان‌شناختی و توان تمایز و تحلیل محتوای تجارب کنونی محسوب می‌شود (قربانی، واتسون و هارگیس^۶، ۲۰۰۸). خودشناسی انسجامی، مسئولیت پردازش شناختی فعال در مورد خود و رویدادهای گذشته را به عهده دارد و تجربه‌ها و صفات خود را در ترکیبی معنادار وحدت می‌بخشد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۳). این فرایند به فرد این امکان را می‌دهد که به‌واسطه درک توانمندیهای خود، افکار و احساساتش را سازمان دهد و مناسب‌ترین فعالیتها را برای رسیدن به نتایج مطلوب، شناسایی و انتخاب کند (قربانی، واتسون، چن^۷ و نوربالا، ۲۰۱۲) و بنابراین به عنوان یکی از پیامدهای سلامت روان به‌شمار می‌آید (قربانی، واتسون، فیاض و چن، ۲۰۱۵). خودشناسی انسجامی یکی از ظرفیتهای بنیادین است و در قالب یک ساختار شخصیتی، فرایندهای خودتنظیم‌گرانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ولیکانی و گودرزی، ۲۰۱۷). یافته برخی از مطالعات نیز گویای رابطه مستقیم خودشناسی انسجامی و خودکنترلی هستند (صالح میرحسینی، قربانی،

1. Cassidy, Parke, Butkovsky & Braungart
2. Haskett, Stelter, Proffit & Nice
3. Morris, Silk, Steinberg, Myers & Robinson
4. Cunningham
5. Watson
6. Hargis
7. Chen

علی‌پور و فرزاد، ۱۳۹۵؛ قربانی، واتسون، رضازاده، کانینگهام، ۲۰۱۱؛ قربانی، واتسون، فرهادی و چن، ۲۰۱۴). در واقع به نظر می‌رسد که جو عاطفی خانواده از طریق خودشناسی انسجامی می‌تواند میزان خودکنترلی را در افراد تحت تأثیر قرار دهد.

خودکنترلی متغیری است که ممکن است با کاهش رفتارهای غیرسالم و پرخاطر مانند پرخوری، کشیدن سیگار، اعتیاد به مواد و الکل، مقاربت ناایمن و رانندگی حین مستی همراه باشد. این امر به‌ویژه در دوران نوجوانی که افراد در معرض بسیاری از آسیب‌های رفتاری، هیجانی و اجتماعی قرار دارند دارای اهمیت خاص است. بنابراین باید در پی شناسایی متغیرهای دخیل در آن بود. به نظر می‌رسد که جو عاطفی خانواده و همچنین خودشناسی انسجامی از متغیرهای مهم در این زمینه هستند و در واقع فرض بر این است که جو عاطفی خانواده از طریق متأثر ساختن خودشناسی انسجامی می‌تواند با تغییرات سطوح خودکنترلی همراه باشد. بر همین اساس در پژوهش حاضر به بررسی نقش میانجی خودشناسی انسجامی در رابطه میان جو عاطفی خانواده و خودکنترلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه پرداخته شده است.

روش

روش این پژوهش با توجه به هدف، کاربردی است و از نظر اجرا بر اساس معادلات ساختاری در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش همه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه شهرستان نقده بودند که برای برآورد حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول زیر، حجم نمونه برابر با ۳۵۱ نفر برآورد شده است.

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)$$

شیوه دسترسی به آزمودنی‌ها به این شکل بوده که پژوهشگر پس از دریافت نامه از دانشگاه و اخذ مجوزهای لازم از اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی و اداره آموزش و پرورش شهرستان نقده، گروه نمونه را با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب کرده است. به این منظور، چهار مدرسه پسرانه (دبیرستان امام خمینی (ره)، امام جعفر صادق، آزادگان اسلام، شهید مطهری) و سه مدرسه دخترانه (۱۴ معصوم، ۱۷ شهرپور، طیبیه گل نرگس) دوره دوم متوسطه به‌طور تصادفی انتخاب شدند و از میان این مدارس، گروه نمونه به روش تصادفی انتخاب شد.

ابزارهای پژوهش

● **پرسشنامه خودکنترلی:** این مقیاس را تانجی^۱، بامایستر و بون^۲ (۲۰۰۴) ساخته‌اند و دارای ۱۳ سؤال بوده و هدف آن سنجش میزان کنترل افراد بر خودشان است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه از هرگز (۱) تا بسیار زیاد (۵) است. برای به‌دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، باید مجموع امتیازات همه سؤالات را با هم جمع کرد. حداکثر نمره برای پرسشنامه خودکنترلی ۶۵ و حداقل ۱۳ است و نمره بالاتر بیانگر خودکنترلی بالاتر در فرد است. در پژوهش تانجی و همکاران (۲۰۰۴) روایی این مقیاس با ارزیابی همبستگی آن با مقیاسهای پیشرفت تحصیلی، سازگاری، روابط مثبت و مهارتهای میان - فردی مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین پایایی آن روی دو نمونه آماری با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و ۰/۸۵ به‌دست آمده است (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴). روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهشی روی جمعیت ایرانی بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است (موسوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

● **پرسشنامه جو عاطفی خانواده (FECQ):** این مقیاس را هیلبرن (۱۹۶۴) به‌منظور سنجش میزان مهرورزی در تعاملات کودک - والدین ساخته است (رشیدی، محسنی و گل محمدیان، ۲۰۱۷). این مقیاس دارای هشت خرده مقیاس (محبت، نوازش کردن، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق، اعتماد و احساس امنیت) است. مقیاس جو عاطفی خانواده شامل ۱۶ سؤال است که هر دو سؤال به ترتیب در برگرفته یک خرده مقیاس است. پاسخنامه این مقیاس پنج گزینه‌ای از پاسخهای خیلی کم، کم، در حد متوسط، زیاد و خیلی زیاد تشکیل شده است. نمرات بالاتر نشان دهنده وجود جو عاطفی مناسب میان اعضای خانواده است. در پژوهشی که به بررسی ویژگیهای روانسنجی این پرسشنامه روی جمعیت ایرانی پرداخته شده برای بررسی همسانی درونی آن از روشهای آلفای کرونباخ، تنصیف و گاتمن استفاده شده که به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۷ و ۰/۷۷ به‌دست آمده است. همچنین روایی سازه و همزمان این پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفته است (ارقبایی و همکاران، ۲۰۱۸).

● **مقیاس خودشناسی انسجامی:** مقیاس خودشناسی انسجامی شامل ۱۲ ماده است که پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت پنج درجه‌ای از عمدتاً نادرست (۱) تا عمدتاً درست (۵) به آن پاسخ دهند. در این مقیاس همه عوامل مرتبط با خودشناسی مانند آگاهی و کوشش در جهت فهم هیجانها، رفتارها، عملکردهای عقلانی، خلیقات، شخصیت و حالات بدنی (قربانی و

1. Tangney
2. Boone
3. Family Emotional Condition Questionnaire (Hill Burn)
4. Integrative Self-Knowledge Scale (ISK)

همکاران، ۲۰۰۸) مورد توجه قرار گرفته‌اند. عبارات ۳، ۶ و ۹ خودشناسی تأملی، عبارات ۱، ۵، ۷ و ۸ خودشناسی تجربه‌ای و باقی عبارات (۴، ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۲) نیز یکپارچه کردن تجارب گذشته، حال و آینده در سازش و ارتقای خود (خودشناسی انسجامی) را می‌سنجند. قربانی و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه خود روی سه نمونه ایرانی و سه نمونه آمریکایی، آلفای کرونباخ مقیاس را به ترتیب در نمونه اول ایرانی ۰/۸۲، نمونه دوم ایرانی ۰/۸۱ و نمونه سوم ایرانی ۰/۸۱ و به ترتیب در نمونه اول آمریکایی ۰/۷۸، نمونه دوم آمریکایی ۰/۷۸ و نمونه سوم آمریکایی ۰/۷۴ گزارش داده‌اند. اعتبار همگرا، ملاک، افتراقی و افزایشی مقیاس نیز در این مطالعه مورد تأیید قرار گرفته است (قربانی و همکاران، ۲۰۰۸).

پس از گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده با استفاده از تحلیل ضریب همبستگی پیرسون و روش مدلیابی معادلات ساختاری صورت گرفته و اثرات غیرمستقیم از طریق آزمون بوت استرپ به‌دست آمده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSSv۲۵ و نرم افزار ۳.۲.۸ SmartPLS استفاده شده است.

یافته‌ها

حجم نمونه مورد پژوهش برابر با ۳۵۱ دانش‌آموز دختر و پسر بود که از این تعداد ۳۳۶ پرسشنامه خالص و پرشده عودت داده شد به‌طوری‌که ۵۱ درصد (۱۷۰ نفر) را دانش‌آموزان پسر و ۴۹ درصد را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دادند و میانگین (انحراف معیار) سن دانش‌آموزان پاسخگو در مطالعه حاضر ۱۷/۵۵ (۱/۱۵) سال بود. در جدول ۱ آمار توصیفی (شامل میانگین، انحراف معیار و سایر شاخصهای توصیفی) متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین (انحراف معیار)	جولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
جو عاطفی خانواده	۶۲/۴۹ (۱۱/۴)	-۰/۸۴۴	۰/۷۲۲	۲۲	۸۰
خودشناسی انسجامی	۴۰/۰۸ (۶/۷۴)	-۰/۱۲۸	-۰/۰۷۵	۲۱	۵۸
خودکنترلی	۴۴/۶۰ (۸/۸۳)	-۰/۲۳۶	-۰/۵۵۳	۲۱	۶۴

برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها، از آماره دوربین-واتسون استفاده شده است که مقدار آن برابر با ۱/۸۰۸ بوده و این نتیجه نشان می‌دهد که پیش‌فرض استقلال باقیمانده‌ها رعایت شده است. بررسی شاخص VIF (بیشتر از ۱۰) و شاخص تحمل (کمتر از ۰/۱) نشان داده که شاخصهای VIF و تحمل

در هر یک از متغیرهای پیش‌بین در حد مطلوب است و میان متغیرهای پیش‌بین همبستگیهای بزرگ وجود ندارد و همخطی جدی مشهود نیست.

برای بررسی قابلیت اعتماد و اعتبار ابزارهای اندازه‌گیری، (آزمون الگوی اندازه‌گیری)، pc ، AVE و ضریب آلفا برای سازه‌ها در جدول شماره ۲ آمده است. مقادیر قابل پذیرش pc باید $0/7$ یا بیشتر باشند (فرنل و لارکر^۱، ۱۹۸۱). نشانگر سوم بررسی قابلیت اعتماد، میانگین واریانس استخراج شده است (فرنل و لارکر، ۱۹۸۰). فرنل و لارکر مقادیر AVE ، $0/5$ و بیشتر را توصیه می‌کنند و این امر به معنای آن است که سازه مورد نظر در حدود ۵۰ درصد و یا بیشتر واریانس نشانگرهای خود را تبیین می‌کند (چین^۲، ۱۹۹۸). البته مگنر و همکارانش^۳ (۱۹۹۶) مقادیر بالای $0/4$ را برای AVE مطلوب و رضایت بخش می‌دانند (مگنر و همکاران، ۱۹۹۶). مقادیر جدول ۲ نشان‌دهنده قابلیت اعتماد کافی و مناسب سازه‌هاست.

جدول ۲. روایی و پایایی هر یک از متغیرهای پژوهش

آلفا کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
۰/۸۸۹	۰/۹۰۵	۰/۴۱۰
۰/۶۸۷	۰/۷۸۳	۰/۴۰۵
۰/۷۹۹	۰/۸۵۱	۰/۴۱۷
جو عاطفی خانواده		
خودشناسی انسجامی		
خودکنترلی		

در زمینه بارهای عاملی برای سازه خودشناسی انسجامی (به جز گویه‌های شماره ۱، ۴، ۵، ۷ و ۱۲)، سازه جو عاطفی خانواده (به جز گویه شماره ۸) و سازه خودکنترلی (به جز گویه‌های شماره ۲، ۷، ۸، ۱۰ و ۱۱) از آنجایی که بار عاملی همه گویه‌ها بالای $0/5$ است و نیز مقدار t value آنها بزرگ‌تر از $1/96$ برآورد شده است، لذا همه گویه‌های باقی‌مانده بعد از حذف گویه‌های مذکور وارد تحلیل شده است که نشان‌دهنده تأیید قابلیت اعتماد کافی و مناسب سازه‌های پژوهش است.

با توجه به جدول ۳ جذر میانگین واریانس استخراج شده همه متغیرهای پژوهش بیشتر از همبستگی آنها با متغیرهای دیگر است. بنابراین روایی و اگرایی متغیرهای پژوهش نیز برقرار است. همچنین طبق نتایج جدول ۳، متغیرهای جو عاطفی خانواده، خودشناسی انسجامی و خودکنترلی دارای رابطه مستقیم معنادار در سطح $0/01$ هستند.

1. Fornell & Larcker

2. Chin

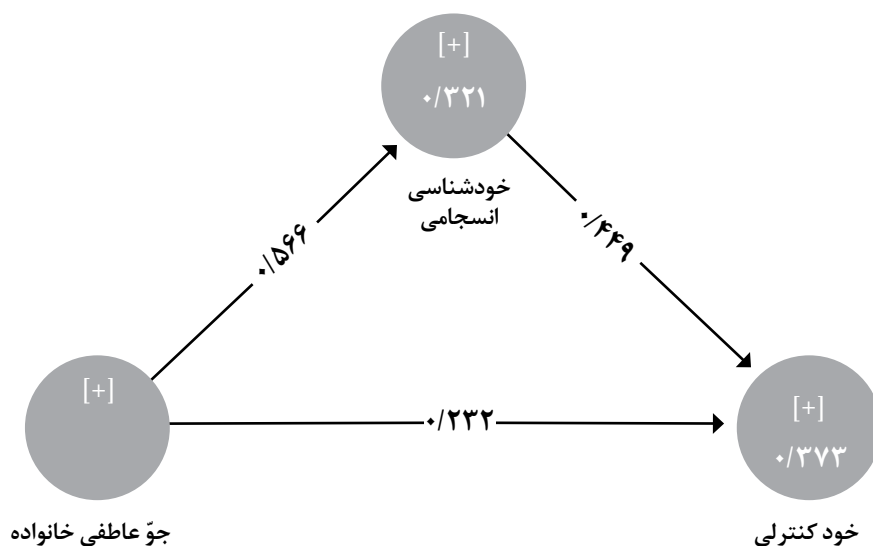
3. Magner et al.

جدول ۳. ماتریس همبستگی و جذر میانگین واریانس استخراج شده متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
جو عاطفی خانواده	۰/۶۴۰		
خودشناسی انسجامی	۰/۵۶۶**	۰/۶۳۶	
خودکنترلی	۰/۴۸۶**	۰/۵۸۰**	۰/۶۴۶

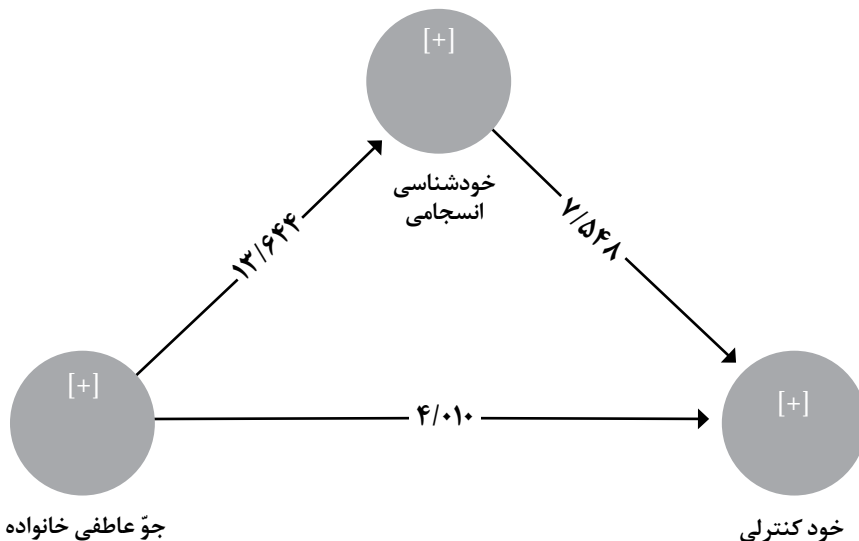
* توجه: اعداد روی قطر ماتریس همبستگی جذر میانگین واریانس استخراج شده می‌باشند.

پس از تعیین مدل‌های اندازه‌گیری، به منظور ارزیابی مدل مفهومی پژوهش، فرضیات تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری آزمون شدند. نتایج آزمون فرضیات پژوهش در شکل ۱ منعکس شده است.



شکل ۱. اندازه‌گیری مدل کلی در حالت استاندارد

با توجه به شکل شماره ۱، ضریب تأثیر متغیرهای جو عاطفی خانواده و خودشناسی انسجامی بر خودکنترلی و همچنین ضریب تأثیر متغیر جو عاطفی خانواده بر خودشناسی انسجامی معنادار است. بر اساس شکل ۱، واریانس تبیین شده متغیر خودکنترلی از طریق متغیرهای جو عاطفی خانواده و خودشناسی انسجامی برابر با ۰/۳۷۳ است. واریانس تبیین شده متغیر خودشناسی انسجامی دانش‌آموزان از طریق متغیر جو عاطفی خانواده برابر با ۳۲/۱٪ است.



شکل ۲. اندازه‌گیری مدل کلی در حالت معنادار

برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل از شاخص بررسی اعتبار اشتراک^۱ استفاده شده است. شاخص اعتبار اشتراک، کیفیت مدل اندازه‌گیری هر بلوک را می‌سنجد و شاخص اعتبار افزونگی^۲، کیفیت مدل ساختاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، مثبت بودن مقادیر اعتبار اشتراک و اعتبار افزونگی برای همه متغیرها در پژوهش حاضر نشانگر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل اندازه‌گیری و ساختاری است.

جدول ۴. اندازه‌گیری شاخص اشتراک

اعتبار افزونگی	اعتبار اشتراک	متغیرها
-	۰/۲۸۹	جو عاطفی خانواده
۰/۰۸۹	۰/۱۳۲	خودشناسی انسجامی
۰/۱۳۵	۰/۲۴۶	خودکنترلی

1. CV-Communality

2. CV-Redundancy

برای بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته و تأیید کل مدل، نتایج حاصل از خروجیهای PLS مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۵ ضرایب معناداری و نتایج روابط مطرح شده در مدل پژوهش را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۵. بررسی معناداری ضرایب تأثیر بر آورده شده مدل پژوهش

مسیر	ضریب	مقدار تی	معناداری	نتیجه آزمون
جو عاطفی خانواده ← خودشناسی انسجامی	۰/۵۶۶	۱۳/۶۴۴	۰/۰۰۰۱	تأیید
جو عاطفی خانواده ← خودکنترلی	۰/۲۳۲	۴/۰۱۰	۰/۰۰۰۱	تأیید
خودشناسی انسجامی ← خودکنترلی	۰/۴۴۹	۷/۵۴۸	۰/۰۰۰۱	تأیید

بر اساس یافته‌های جدول ۵، از آنجایی که عدد معناداری مسیر میان همه متغیرها، بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است، بنابراین روابط فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد. برای آزمودن اثر غیرمستقیم جو عاطفی خانواده بر خودکنترلی، از طریق خودشناسی انسجامی، از روش «بوت استرپ» و فاصله اطمینان حاصل از آن استفاده شده است. این روابط غیرمستقیم از طریق روش بوت استرپ در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج روش بوت استرپ روابط غیرمستقیم در کل نمونه

مسیر	ضریب	مقدار تی	حد پایین	حد بالا	معناداری
جو عاطفی خانواده از طریق خودشناسی انسجامی بر خودکنترلی دانش‌آموزان تأثیر غیرمستقیم و معناداری دارد.	۰/۲۵۴	۶/۳۸۸	۰/۱۸۷	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰۱

بر اساس جدول ۶، جو عاطفی خانواده به‌صورت غیرمستقیم از طریق خودشناسی انسجامی بر خودکنترلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارد، زیرا مقدار t برآورد شده در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار و از مقدار ۱/۹۶ بالاتر است. همچنین با توجه به اینکه فاصله اطمینان مورد نظر با توجه به حدود پایین و بالای ذکر شده، صفر را در بر نمی‌گیرد بنابراین رابطه غیرمستقیم معنادار است. با محاسبه شمول واریانس (VAF)، اندازه اثر غیرمستقیم نسبت به اثر کل را می‌توان تعیین کرد که تا چه اندازه واریانس متغیر وابسته از طریق متغیر مستقل و چه مقدار واریانس آن، با روابط غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی تبیین می‌شود.

جدول ۷. ارزیابی شمول واریانس

متغیر	اثر مستقیم بر خودکنترلی	اثر غیرمستقیم بر خودکنترلی	اثر کل	VAF	نوع میانجی
جوّ عاطفی خانواده	۰/۲۳۲	۰/۲۵۴	۰/۴۸۶	۰/۵۲۳	میانجیگری جزئی

بر اساس مقادیر جدول ۷، دربارهٔ جوّ عاطفی خانواده می‌توان ادعا کرد که ۵۲٪ اثر جوّ عاطفی خانواده روی خودکنترلی از طریق سازه خودشناسی انسجامی تبیین می‌شود و از آنجا که VAF بزرگ‌تر از ۲۰٪ اما کمتر از ۸۰٪ است، این وضعیت را می‌توان با میانجیگری جزئی توصیف کرد (هر، هولت، رینگل و زارشتد^۱، ۲۰۱۶).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، تعیین نقش واسطه‌ای خودشناسی انسجامی در رابطه میان جوّ عاطفی خانواده و خودکنترلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان نقده بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که در دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معناداری میان جوّ عاطفی خانواده با خودکنترلی وجود داشته است. مثبت بودن این همبستگی بدان معناست که هراندازه دانش‌آموزان از جوّ عاطفی بالاتر در خانواده برخوردار باشند، میزان خودکنترلی آنان نیز بیشتر خواهد بود. این نتایج با یافته مطالعات قبلی موریس و همکاران (۲۰۰۷) مبنی بر نقش خانواده در توسعه تنظیم هیجان؛ شمسی و صوفی (۲۰۱۷) مبنی بر نقش تعدیل‌کننده خودآگاهی یکپارچه و کنترل خود در رابطه میان نیازهای اساسی روان‌شناختی و خود-دلسوزی؛ هسکت و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر بیان عاطفی والدین و خودتنظیمی کودکان در ارتباط با سوءاستفاده عملکرد مدرسه کودکان و ژیا^۲ (۲۰۱۰) مبنی بر عوامل خانواده و نتایج دانش‌آموزان همسوست. یافته دیگر این پژوهش دال بر رابطه مستقیم و معنادار جوّ عاطفی خانواده و خودشناسی انسجامی بود که این یافته با نتایج مطالعات قبلی بشارت و همکاران (۱۳۹۳) مبنی بر پیش‌بینی خودشناسی انسجامی فرزندان براساس ویژگیهای فرزندپروری والدین و اخوان‌عبیری و همکاران (۱۳۹۸) مبنی بر رابطه دلبستگی و پریشانی روان‌شناختی با توجه به نقش واسطه‌گر ذهن آگاهی همسوست. همچنین نشان داده شد که خودشناسی در رابطه میان جوّ عاطفی خانواده و خودکنترلی دارای نقش میانجی است.

1. Hair, Hult, Ringle & Sarstedt
2. Xia

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان چنین بیان داشت که روابط عاطفی والدین با یکدیگر و فرزندان، شیوه‌های فرزندپروری، قاطعیت همراه با ارائه آزادی به فرزندان و در مجموع جو عاطفی حاکم بر خانواده، ارتباطی نزدیک با رشد و شکل‌گیری برخی ویژگیهای فرزندان خانواده و افزایش قدرت خودکنترلی آنان دارد (موریس و همکاران، ۲۰۰۷). یکی از مسائل مهم برای رشد خودکنترلی، رفتاری و عاطفی کودکان و نوجوانان ایجاد محیط مناسب برای تحریک و حفظ رابطه دواستانه والد-فرزند است (هسکت و همکاران، ۲۰۱۲). این امر با ایجاد جو عاطفی خانوادهای که سرشار از تصمیم‌گیریهای نوآورانه و مقاومت در برابر شرایط مبهم و فشارهای محیطی دیگر است، امکان‌پذیر است. کسب اعتماد میان فرزند و والدین و ایجاد اشتراکات میان آنها می‌تواند سبب افزایش سازگاری در نوجوانان شود. در واقع، زمانی که اعتماد میان والدین و فرزندان وجود داشته باشد، نه تنها اعتماد به نفس فرزندان افزایش می‌یابد، بلکه سازگاری آنان بیشتر می‌شود و در نتیجه خودتنظیمی و خودکنترلی آنان نیز بهتر می‌شود (کسیدی و همکاران، ۱۹۹۲). پژوهشگران اعتقاد دارند، جو مسالمت‌آمیز و آرامش‌بخش در خانواده با تبادل هیجانات مثبت می‌تواند به تقویت روابط میان افراد خانواده منجر شود که این تبادلات میان-فردی با بازخوردهایی که به همراه دارد می‌تواند به یک کودک در رشد تنظیم و کنترل خود کمک کند (شمسی و صوفی، ۲۰۱۷). از این‌رو می‌توان گفت که هراندازه خانواده از محیط و جو عاطفی سالم و در نتیجه رفتارها و تعاملات سالم‌تری بهره‌مند باشد و به عبارتی صداقت، صمیمیت، یکدلی، یکرنگی، ملاطفت، مهربانی و عشق بر فضای عمومی خانواده غالب شود، به همان میزان رشد روانی فرد تحت تأثیر قرار می‌گیرد (ارقبایی و همکاران، ۲۰۱۸) و زمینه افزایش خودکنترلی فراهم می‌شود.

همچنین می‌توان گفت که یکی از عوامل مهم در تأمین سلامت و بهداشت روانی فرزندان، روابط صحیح و متعادل والدین با آنهاست. فرزندان در فضای خصوصی و صمیمانه خانواده یاد می‌گیرند که در لحظه در حال تجربه چه احساسات و افکاری هستند و همچنین توان درک دیگران و افکار و عواطف آنها را نیز پیدا می‌کنند (شمسی و صوفی، ۲۰۱۷). در نتیجه با چنین آگاهی نسبت به خود و دیگران و در واقع خودشناسی، احساساتی عمیق‌تر و سالم‌تر نسبت به خود و دیگران پیدا می‌کنند و به دنبال درک بهتر خود و دیگران در هر موقعیتی با مهارت بیشتر در واکنش نسبت به خود و دیگران با حفظ تعادل میان این دو ظاهر می‌شوند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۳) که این به معنای خودکنترلی است که از طریق فرایند خودشناسی حاصل شده است. بی‌توجهی والدین به سالم‌سازی روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و نبود روابط مناسب در بیشتر موارد آنها را با کمبودهای عاطفی، انگیزش و مشکلات روانی و از جمله خودبیگانگی نسبت به احساسات و هیجانات خود و دیگران رو به‌رو می‌کند (هسکت و همکاران، ۲۰۱۲). این امر می‌تواند منجر به کاهش خودشناسی در آنها شود. بنابراین عوامل خانوادگی، به ویژه جو عاطفی خانواده می‌تواند نقشی مهم در خودشناسی و

خودکنترلی نوجوانان داشته باشد. مزلو^۱ (۱۹۸۱) بر این باور است که اگر صفا و صمیمیت، صراحت و یکرنگی و روابط مملو از عشق و محبت بر فضای خانواده حاکم باشد، کودکان فرصت می‌یابند تا بدون نگرانی و ترس از تنبیه و سرزنش به ابراز وجود بپردازند و در موارد لازم از طریق رفتارهای منطقی و سازگارانه از حقوق خود دفاع کنند. از این‌رو زمینه رشد و تحول روان‌شناختی در آنها تسهیل می‌شود و با تقویت درون مایه‌های روانی، افراد به این توانایی دست پیدا می‌کنند که با غلبه بر تکانشی و واکنشی عمل کردن در لحظه، قادر شوند که در شرایط استرس‌زا و بحرانی، با تسلط بر خود و آگاهی از خود و تجربیات درونی، امیال و هیجانات خود را مدیریت و به بهترین شکل ممکن آنها را مهار کنند. این در واقع اشاره به این فرایند دارد که روابط گرم و صمیمی میان والد و فرزند با فراهم آوردن فضایی امن و بدون ترس برای کودک به وی این امکان را می‌دهد تا در موقعیتهای مختلف، آزدانه با افکار، امیال و هیجانات درونی خود مواجه شود و بدون لزوم سرکوبی و نادیده گرفتن آنها، نسبت به این تجربیات درونی و نحوه تنظیم آنها آگاهی کامل پیدا کند. به این ترتیب در شرایط متفاوت با آگاهی از تمام هیجانات درونی خود و مدیریت بهینه آنها از هرگونه تکانشی عمل کردن بپرهیزد و به‌صورت مناسب بتواند خود و فرایندهای درونی را کنترل کند.

یافته‌های پژوهش حاضر و برازش خوب مدل، نقش واسطه‌ای خودشناسی انسجامی را در رابطه میان جو عاطفی خانواده و خودکنترلی تأیید کرده است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، از آنجا که محور اصلی خودشناسی انسجامی، توانایی شخص در بی‌اعتنایی به کششهای درونی یا تغییر آنها و نیز توقف تمایلات نامطلوب و پرهیز از عمل بر اساس آنهاست (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴)، محیط و جو مطلوب و عاطفی خانواده، فرد را مجهز می‌کند که با کنترل خویشتن از برخی از رفتارها امتناع کند (حسین‌خان‌زاده، طاهر و حیدری، ۱۳۹۲). از این‌رو حمایت عاطفی خانواده می‌تواند نقشی مثبت در پیشگیری از بروز ناکامیهای احتمالی داشته باشد. بنابراین والدین در حکم عوامل ایجاد کننده این محیط نیاز به آموزش روشها و فنون متعدد دارند تا تغییرات لازم را در نگرش، رفتار و روابط خود با اعضای خانواده ایجاد کنند و در نتیجه فضایی حاکی از پذیرش در خانه را به وجود آورند تا فرزندانشان از تمام توانایی خود برای موفقیت بهره‌مند شوند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که خودشناسی انسجامی و جو عاطفی خانواده می‌توانند خودکنترلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند، بنابراین از این لحاظ می‌توان گفت که آموزش مهارت خودشناسی انسجامی و تقویت جو عاطفی خانواده، می‌تواند به افزایش خودکنترلی در دانش‌آموزان کمک کند.

از محدودیتهای مطالعه حاضر اینکه، این پژوهش در سطح دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان نقده صورت گرفته است، از این‌رو در تعمیم نتایج آن به سایر دانش‌آموزان باید احتیاط کرد. همچنین با توجه به گردآوری داده‌ها به روش خودگزارشی و با استفاده از پرسشنامه، در اعتبار

کامل نتایج حاصل نمی‌توان مطمئن بود. در نظر نگرفتن و عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر احتمالی که ممکن است نتایج را تحت تأثیر قرار دهند، از دیگر محدودیتهای این مطالعه بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا مطالعات آتی روی جمعیتی وسیع‌تر، با لحاظ کردن متغیرهای مرتبط بیشتر و گردآوری داده از راههای گوناگون انجام پذیرد. همچنین به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود که عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی زمینه‌ساز خودکنترلی دانش‌آموزان را بررسی کنند و نتایج آن را با نتایج پژوهش حاضر مطابقت دهند.

بر اساس یافته‌های این مطالعه، پیشنهاد می‌شود راهبردهای مبتنی بر تقویت خودشناسی انسجامی و خودکنترلی در برنامه‌های مداخلاتی کار با نوجوانان مورد توجه قرار گیرد و در این زمینه بر جو عاطفی خانواده تأکید شود. از آنجا که جو عاطفی خانواده نقشی بسیار مؤثر در خودکنترلی دانش‌آموزان دارد، از این‌رو والدین می‌توانند با ایجاد فضای مطلوب عاطفی در خانواده موجب تقویت خودکنترلی دانش‌آموزان شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود راهبردهای شناختی و فراشناختی خودشناسی انسجامی و خودکنترلی، در آموزش دروس مدارس مورد توجه قرار گیرد.

- اخوان عبیری، فاطمه؛ شعیری، محمدرضا و غلامی فشارکی، محمد. (۱۳۹۸). رابطه دلبستگی و پریشانی روان‌شناختی با توجه به نقش واسطه‌گر ذهن آگاهی. *دوماهنامه علمی پژوهشی فیض*، ۲۳ (۱)، ۸۹-۱۰۱.
- بشارت، محمدعلی؛ برازیان، سعیده؛ قربانی، نیما و اصغری، مهسا سادات. (۱۳۹۳). پیش‌بینی خودشناسی انسجامی فرزندان براساس ویژگیهای فرزندپروری والدین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰ (۳۷)، ۶۵-۷۸.
- حسین‌خان‌زاده، عباسعلی؛ طاهر، محبوبه و حیدری، حسین. (۱۳۹۲). بررسی راهکارهای حفظ، تقویت و نهادینه کردن روحیه ایثارگری. *روانشناسی نظامی*، ۴ (۱۶)، ۶۷-۸۴.
- صالح میرحسینی، وحیده؛ قربانی، نیما؛ علی‌پور، احمد و فرزاد، ولی‌الله. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای فرایندهای خودشناسی و خودمهارگری در رابطه استرس ادراک شده و عینی با اضطراب، افسردگی، و علائم جسمانی آتش‌نشان‌ها. *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۰ (۳)، ۱-۱۵.
- موسوی‌مقدم، سید رحمت‌اله؛ هوری، سهیلا؛ امیدی، عباس و ظهیری‌خواه، ندا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش معنوی با خودکنترلی و مکانیسم‌های دفاعی در دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد/اسلامی*، ۲۵ (۱)، ۵۹-۶۴.
- Arghabaei, M., Soleimanian, A. A., & Mohammadipour, M. (2018). The role of family emotional atmosphere, sense of coherence, and affects in the prediction of tendency toward substance use among university students. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 24(3), 310-323.
- Cassidy, J., Parke, R. D., Butkovsky, L., & Braungart, J. M. (1992). Family-peer connections: The roles of emotional expressiveness within the family and children's understanding of emotions. *Child Development*, 63(3), 603-618.
- Chin, W. W. (1988). The partial least squares approach to structural equation modeling. In G. A. Marcoulides (Ed.), *Modern methods for business research* (pp. 295-336). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- De Ridder, D. T. D., Lensvelt-Mulders, G., Finkenauer, C., Stok, F. M., & Baumeister, R. F. (2012). Taking stock of self-control: A meta-analysis of how trait self-control relates to a wide range of behaviors. *Personality and Social Psychology Review*, 16(1), 76-99.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equations models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.
- Ghorbani, N., Cunningham, C. J. L., & Watson, P. J. (2010). Comparative analysis of integrative self-knowledge, mindfulness, and private self-consciousness in predicting responses to stress in Iran. *International Journal of Psychology*, 45(2), 147-154.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Chen, Z., & Norballa, F. (2012). Self-compassion in Iranian Muslims: Relationships with integrative self-knowledge, mental health, and religious orientation. *International Journal for the Psychology of Religion*, 22(2), 106-118.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Farhadi, M., & Chen, Z. (2014). A multi-process model of self-regulation: Influences of mindfulness, integrative self-knowledge and self-control in Iran. *International Journal of Psychology*, 49(2), 115-122.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Fayyaz, F., & Chen, Z. (2015). Integrative self-knowledge and marital satisfaction. *The Journal of Psychology*, 149(1-2), 1-18.

- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative Self-Knowledge Scale: Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and the United States. *The Journal of Psychology*, 142(4), 395-412.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Rezazadeh, Z., & Cunningham, C. J. (2011). Dialogical validity of religious measures in Iran: Relationships with integrative self-knowledge and self-control of the "Perfect Man" (Ensān-e kāmel). *Archive for the Psychology of Religion*, 33(1), 93-113.
- Hair, J. F. Jr., Hult, G. T. M., Ringle, C., & Sarstedt, M. (2016). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)*. Sage Publications.
- Haskett, M. E., Stelter, R., Proffit, K., & Nice, R. (2012). Parent emotional expressiveness and children's self-regulation: Associations with abused children's school functioning. *Child Abuse & Neglect*, 36(4), 296-307.
- Konrad, S. Č. (2016). Family emotional expressiveness and family structure. *Psihologija*, 49(4), 319-333.
- Magner, N., Welker, R. B., & Campbell, T. L. (1996). Testing a model of cognitive budgetary participation processes in a latent variable structural equations framework. *Accounting and Business Research*, 27(1), 41-50.
- Maslow, A. H. (1981). *Motivation and personality*. Prabhat Prakashan.
- Meldrum, R. C., Barnes, J. C., & Hay, C. (2015). Sleep deprivation, low self-control, and delinquency: A test of the strength model of self-control. *Journal of Youth and Adolescence*, 44(2), 465-477.
- Morris, A. S., Silk, J. S., Steinberg, L., Myers, S. S., & Robinson, L. R. (2007). The role of the family context in the development of emotion regulation. *Social Development*, 16(2), 361-388.
- Nigg, J. T. (2017). Annual Research Review: On the relations among self-regulation, self-control, executive functioning, effortful control, cognitive control, impulsivity, risk-taking, and inhibition for developmental psychopathology. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 58(4), 361-383.
- Rashidi, A., Mohseni, Z., & Golmohammadian, M. (2017). On the role of family emotional atmosphere, perception of parenting styles, family communication patterns, and perceived social support in predicting the abuse of industrial psychoactive substances in students. *Research on Addiction Quarterly Journal of Drug Abuse*, 11(41), 79-94.
- Shamsi, S., & Sufi, S. (2017). The moderating role of integrative self-knowledge and self-control in the relationship between basic psychological needs and self-compassion. *Avicenna Journal of Neuro Psycho Physiology*, 4(4), 145-152.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of Personality*, 72(2), 271-324.
- Valikhani, A., & Goodarzi, M. A. (2017). Contingencies of self-worth and psychological distress in Iranian patients seeking cosmetic surgery: Integrative self-knowledge as mediator. *Aesthetic Plastic Surgery*, 41(4), 955-963.
- Wills, T. A., Simons, J. S., Sussman, S., & Knight, R. (2016). Emotional self-control and dysregulation: A dual-process analysis of pathways to externalizing/internalizing symptomatology and positive well-being in younger adolescents. *Drug and Alcohol Dependence*, 163(Suppl1), S37-S45.
- Woessner, G., & Schneider, S. (2013). The role of self-control and self-esteem and the impact of early risk factors among violent offenders. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 23(2), 99-112.
- Xia, N. (2010). *Family factors and student outcomes*. Santa Monica: Rand Corporation Publication.